

تأثیر جنبش‌های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه

* حسین هرسیج
** علی اصغر ستوده
*** عابد اصلانی

چکیده

گسترش موج بیداری اسلامی در خاورمیانه توانست تا حدود زیادی منابع قدرت نرم قدرت‌های جهانی و به‌خصوص آمریکا و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خویش قرار دهد. این پژوهش می‌کوشد تأثیر جنبش‌های مردمی - دینی اخیر را بر تغییر منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در منطقه، تجزیه و تحلیل کند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که با توجه به ماهیت و اهداف جنبش‌های اخیر در خاورمیانه، ادامه روند این تحولات به افزایش منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، خاورمیانه، جنبش‌های اسلامی - مردمی
۲۰۱۱.

مقدمه

قدرت نرم، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها برای دستیابی به اهدافشان دارد. به همین دلیل، قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در پی کنترل و مدیریت مناطق ژئواستراتژیک جهان با ابزارهای

harsij@yahoo.com
alisotudeh22@yahoo.com
ab1634@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۲

*. دانشیار دانشگاه اصفهان.
** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.
*** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۰

نرم‌افزارگرایانه هستند. از جمله این مناطق مهم، خاورمیانه است که با فاکتورهای مهمی مثل قلب انرژی جهان، پل ارتباطی قاره‌ها و اسلام سیاسی و ... در ارتباط است و اهمیت ویژه‌ای دارد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ارائه ارزش‌های اسلامی (در تمامی ابعاد) در جهان اسلام و خاورمیانه، ماهیت این انقلاب با استراتژی نرم‌افزارگرایانه آمریکا که مبتنی بر گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی در خاورمیانه بود، در تقابل قرار گرفته است و همواره این دو کشور کوشیده‌اند منابع قدرت نرم خویش را در جهان اسلام و منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه افزایش دهند. جنبش‌های اخیر در خاورمیانه سبب تغییر در منابع قدرت نرم این دو کشور در خاورمیانه شده است. این مقاله بر آن است تأثیر این تحولات را بر منابع قدرت نرم این دو کشور در منطقه، بررسی و تجزیه و تحلیل کند.

بنابراین، محور این مقاله، پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی است:

۱. منابع و محدودیت‌های قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه قبل از انقلاب‌های مردمی اخیر چه بوده است؟
۲. این تحولات چه تأثیری بر میزان منابع قدرت نرم این دو کشور در خاورمیانه داشته است؟

فرضیه پژوهش

تحولات اخیر در خاورمیانه به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا و افزایش منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه، منجر شده است.

این پژوهش شامل سه بخش است. در بخش اول، تعاریف و مفاهیم قدرت نرم و همچنین تفکیک حوزه‌های قدرت نرم و قدرت سخت بررسی، و در نتیجه، اهمیت و جایگاه قدرت نرم در برابر محدودیت‌های قدرت سخت، برای دستیابی بازیگران نظام بین‌الملل به اهداف استراتژیکشان، مشخص شده است. در بخش دوم، ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در منطقه با توجه به استراتژی نرم، منابع قدرت نرم و محدودیت‌های قدرت نرم این دو کشور قبل از انقلاب‌های مردمی، تجزیه و تحلیل شده است. در بخش سوم هم تأثیر انقلاب‌های عربی اخیر در خاورمیانه بر وزن منابع قدرت نرم آمریکا و ایران در منطقه، بررسی شده است.

قدرت نرم؛ تعاریف و مفاهیم

قدرت از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. دولت‌ها برای اینکه بتوانند بر دیگران اثر بگذارند؛ به گونه‌ای که آنها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در گذشته، دولت‌ها برای به دست آوردن اهداف سیاست خارجی فقط به اعمال قدرت سخت در قالب توانایی‌های نظامی و اقتصادی متکی بودند و به نقش قدرت نرم توجه نمی‌کردند. اما امروزه با توجه به انقلاب ارتباطات و همچنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، به‌کارگیری قدرت سخت، هزینه‌های زیادی در پی دارد. بنابراین، دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود،

از قدرت نرم، به منظور مقبولیت و پذیرش بیشتر و همچنین کاستن از هزینه‌ها به واسطه مقاومت کمتر دیگران، استفاده کنند.

به نظر جوزف نای، قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران استوار است که بیشتر با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی و فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌شوند، مرتبط است. (Nye, 2004: 6) بر این اساس، قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است؛ اندازه قدرت سخت، وابسته به دولت نیست؛ تنها در چنبره حکومت محبوس نیست و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر فراوانی بر آن دارد. (Nye, 2002: 556)

نای، در کتاب «قدرت نرم و رهبری هوشمند»، در تعریف قدرت نرم می‌نویسد:

قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بعد متأخر قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید، باورها و آداب و سنن اجتماعی نشئت می‌گیرد. پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. امروزه این قدرت، نقش مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است. (Nye, 2007: 154)

«ایدئولوژی»، «اعتبار ملی»، «روحیه ملی»، «خصوصیات ملی»، «هویت ملی»، «ساختار حکومت»، «موقعیت جغرافیایی»، «مشروعیت نظام سیاسی» و ... از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب «قدرت نرم» مورد توجه قرار می‌گیرند. (Ikenberry, 2011: 65)

آنچه از کلمات اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی‌آید، این است که قدرت نرم، نتیجه و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار نزد افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت اثرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایت دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن، و مؤلفه‌هایی از این نسخ است. بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد و شخصی، تصویری است که ماکس وبر، جامعه‌شناس مشهور آلمانی، از نفوذ و اقتدار بالامنزاع شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های متنفذ و کاریزما ارائه کرده است. (Ibid: 68)

۱. تعیین حوزه‌های قدرت نرم و قدرت سخت

قدرت نرم در مقابل قدرت سخت تعریف می‌شود. از این رو، لازم است تفاوت میان قدرت نرم و قدرت سخت، آشکار شود تا این دو اصطلاح از هم متمایز گردند.

قدرت سخت، در کاربرد ابزارهای نظامی، به کار بردن زور، بازدارندگی، تهدید و ارباب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند. همچنین در اعمال قدرت اقتصادی، فشار مالی، تحریم اقتصادی، رشوه دادن، کمک‌های مالی و تشویق و تهدید اقتصادی، خود را نشان می‌دهد. اما قدرت نرم، سرشت دیگری دارد و خود

را از راه جذابیت، فریبندگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، ترویج رشته‌ای از ارزش‌ها توسط رسانه و نیز دیپلماسی عمومی و چندجانبه آشکار می‌سازد. بنابراین، قدرت نرم به معنای توانایی دولت‌ها برای دستیابی به هدف دلخواه از راه اقناع و کشش، نه از طریق اعمال زور یا پرداخت پول است. (Nye, 2004: 257) دیپلماسی عمومی نیز به مثابه بازوی اجرایی قدرت نرم، به معنای اثرگذاری دولت بر نگرش‌های عمومی در کشورها و جوامع دیگر و کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی در سیاست خارجی است. (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۵) اعمال قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی، همواره از مؤلفه‌های کلیدی در رهبری کشورهاست؛ همچنین در جهان یکپارچه کنونی که به واسطه یک ساختار ارتباطی پیچیده، به دهکده‌ای تبدیل شده، امکانی است برای کشورها تا هزینه‌های مرتبط با قدرت سخت و دیپلماسی سنتی را به طرز شگفت‌آوری پایین آورند و گاه حتی به اهدافی دست یابند که با هر میزان قدرت سخت نیز رسیدن به آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. قدرت نرم هر کشور در ابتدا از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع تلقی شود). (Nye, 2004: 6)

هم‌زمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نرم نیز تحول یافته‌اند و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحول بستر قدرت در سیاست بین‌الملل موجب شده است تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان بدهد و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گروهی منابع صرفاً مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به حساب آورند. این بُعد از قدرت، چهره دوم قدرت یا قدرت نرم خوانده می‌شود که نتیجه و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و اثرگذاری غیرمستقیم بر دیگران همراه با رضایت آنهاست. قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع، از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه نخست، افکار عمومی خارج کشور است. در قدرت نرم باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه اینکه ما به دنیا چگونه می‌نگریم. (Lukes, 2007: 75 - 83)

با وجود تغییرات اساسی که از پایان جنگ سرد تاکنون رخ داده است، امروزه جهانی شدن سلطه‌جویی‌های مبتنی بر قدرت سخت را در سطح وسیع بر نمی‌تابد. امروزه شرایط کاملاً دگرگون شده است. بازیگر هژمونی طلب باید ضمن پذیرش اقتضائات دنیای جدید، شیوه‌های اعمال نفوذش را بر وفق آن متحول سازد. در زمان غلبه و رواج قدرت نرم، بازیگری می‌تواند تاج سرکردگی و رهبری جامعه جهانی را بر سر بگذارد که فرهنگ، جهان‌بینی، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زیست اجتماعی خود را عالم‌گیر کند و جهانیان را بدون کاربرد زور آشکار وادار تا داوطلبانه از زاویه نگاه او به موضوعات جاری بنگرند، با قواعد ابداعی او بازی کنند و تفاسیر بر ساخته او از وقایع و پدیده‌های حادث در جهان را بپذیرند. (Ikenberry, 2011: 67)

قدرت نرم با به کارگیری ابزارهایی همچون فرهنگ، ایدئولوژی، آرمان و ارزش‌های اخلاقی، به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها و جوامع اثر می‌گذارد. بنابراین، موفقیت دولت‌ها در کاربرد ابعاد

نرم‌افزایی قدرت، با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی خاص هر کشور و یا منطقه متفاوت است. (Lukes, 2007: 83)

۲. عوامل ایجادکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم

عوامل ایجادکننده یا تقویت‌کننده این نوع قدرت عبارتند از:

- موقعیت ایدئولوژیک؛
 - ارتباطات دیپلماتیک مطبوع و گسترده؛
 - مناسبات و مبادلات فرهنگی؛
 - ترویج زبان و ادبیات؛
 - تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی؛
 - ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود؛
 - بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ برای مقاصد دیپلماتیک؛
 - طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مقبول؛
 - زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی؛
 - مبادلات دانشگاهی و آکادمیک؛
 - سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان دیگر کشورها. (Nye, 2010: 99)
- بر این اساس، برخی ابزارها و راهکارهای عملی دستیابی کشورها به قدرت نرم و در اختیار داشتن آن را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. همگرایی و پیوندهای فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی با دیگر کشورها؛
۲. ایجاد نمایندگی‌های سیاسی، کنسولی و فرهنگی در کشورهای جهان؛
۳. تشکیل انجمن‌های دوستی و برگزاری هفته‌های فرهنگی در کشورهای مختلف برای شناساندن ظرفیت‌های فرهنگی کشور و ایجاد تعامل با افکار عمومی در خارج؛
۴. سفر مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور به نقاط مختلف جهان؛
۵. انتشار و توزیع روزنامه و ایجاد شبکه‌های خبری - رسانه‌ای به زبان‌های مختلف؛
۶. برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و همکاری‌های علمی؛
۷. پذیرش مهاجران و گردشگران؛ تشویق به مسافرت‌های خارج از کشور برای انتقال فرهنگ داخل به خارج؛
۸. ایجاد و تقویت مؤسسات فرهنگ‌شناسی و زبان‌شناسی کشور مبدأ در کشورهای هدف؛
۹. تشویق به آموزش زبان‌های دیگر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی برای تعامل با دنیای خارج. (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۳)

فرهنگ نیز جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری و افزایش منابع قدرت نرم دارد. اهمیت جایگاه فرهنگ در عرصه معادلات نوین جهانی تا جایی است که قدرت‌پژوهانی مانند «جوزف نای»، این عنصر را در قلمرو منابع قدرت نرم گنجانده و به ظرفیت‌های بسیار بالای آن برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده توجه ویژه کرده‌اند. نای در هنگام برشمردن منابع قدرت نرم، در درجه اول از فرهنگ نام می‌برد. (Gill&Huang, 2006: 17 - 36)

بنابراین، به گمان نای، فرهنگ می‌تواند افزایش‌دهنده قدرت باشد. اما آیا قدرت‌آفرینی، خصوصیات ماهیتی همه فرهنگ‌ها محسوب می‌شود؟ پاسخ نای به این پرسش منفی است. وی شرط جذابیت را مطرح می‌کند و عقیده دارد فرهنگ کشوری را می‌توان قدرت‌آفرین نامید که در انظار مردمان دیگر کشورها جذاب باشد. (Nye, 2008: 4)

می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر فرهنگ یک کشور، نوعی جذابیت و گیرایی ذاتی داشته باشد، به نحوی که دیگر کشورها داوطلبانه و با رضایت خاطر، به اقتباس و پیروی از مظاهر آن و مصرف محصولاتش رغبت نشان دهند، کشور مورد نظر می‌تواند از فرهنگ خود به عنوان یک منبع مهم افزایش قدرت نرم استفاده کند.

ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه

تقابل قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه، در ماهیت متفاوت استراتژی کلان این دو کشور در نظام بین‌الملل و خاورمیانه، ریشه دارد. در این قسمت، ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه در قالب استراتژی نرم این دو کشور بررسی می‌شود.

۱. استراتژی نرم‌افزارگرایانه آمریکا در خاورمیانه در قبال ایران

امروزه غرب به رهبری آمریکا پرچم‌دار جنگ نرم است و هدف محوری و اصلی آنها در دو حوزه بین‌المللی و ملی قابل بررسی است. آنها در حوزه بین‌المللی در پی کنترل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک هستند. در درون این هدف نهایی، حذف نظام‌های چالش‌گرا، حفظ تمدن غرب و جهانی‌سازی آن و ممانعت از اتحاد و انسجام کشورهای مخالف و اسلامی قرار دارد. در سطح ملی، هدف اصلی آنها از بین بردن نظام‌هایی همچون نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ (Zakaria, 2008: 58) زیرا این نظام و فلسفه سیاسی آن را که مبتنی بر اسلام است، مهم‌ترین چالش بر ضد نظام لیبرال دموکراسی و در نتیجه هژمونی فرهنگی آمریکا در جهان و به‌خصوص خاورمیانه، تلقی می‌کنند.

اگر در سطح کلان بخواهیم، سیاست‌های راهبردی آمریکا را در تقابل جنگ نرم با ایران در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه تشریح کنیم، پیرامون پنج محور اساسی است: ۱. القای اسلام‌هراسی؛ ۲. القای شیعه‌هراسی؛ ۳. القای سنی‌هراسی؛ ۴. القای ترس از انقلاب اسلامی؛ ۵. القای ایران‌هراسی. (Ibid: 59 - 63)

به عنوان مثال، طرح هلال شیعی در محور شیعه‌هراسی، نشان دادن چهره خشن از اسلام در محور

اسلام‌هراسی، انتشار اخبار کذب پیرامون قدرت هسته‌ای ایران در محور ایران‌هراسی، و نشان دادن چهره بد از سنی‌ها در نگاه شیعیان در محور سنی‌هراسی، قابل تحلیل است. در کنار این پنج سیاست، ارائه یک تصویر زیبا و مدینه فاضله از تمدن غرب و زندگی غربی در دستور کار آنها قرار دارد.

آمریکایی‌ها به استثناگرایی معتقدند و ملت آمریکا را یک ملت استثنا فرض می‌گیرند. آنها تصور می‌کنند که الگوی جهانیان هستند و خود را در شهر بر فراز تپه می‌دانند. (Zakaria, 2008: 59) انقلاب اسلامی ایران با ارائه الگوها و ارزش‌هایی متفاوت با ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی که منابع قدرت نرم آمریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می‌شوند، الگوها و ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی آمریکا را به چالش می‌کشد.

نای، متفکر آمریکایی، به طور ویژه به کشورش، یعنی ایالات متحده اشاره می‌کند و اعتقاد دارد این کشور به واسطه وجود منابع و توانایی‌های فراوان در زمینه قدرت نرم، می‌تواند نقش مهمی در کنترل و هدایت تعارضات جهانی ایفا کند و به دلیل جایگاه ویژه خاورمیانه در معادلات جهانی، این منطقه در دستگاه سیاستگذاری خارجی آمریکا اهمیت خاصی دارد. (Nye, 2004: 9)

نای در جایی دیگر، از ترکیب قدرت نرم با قدرت سخت سخن می‌گوید و آن را قدرت هوشمند می‌نامد. از منظر او آمریکا باید با کشورهایی همچون ایران که موجب همسویی منافع سایر تهدیدکنندگان منافع ایالات متحده در خاورمیانه می‌شوند، هوشمندانه مقابله کند.

آمریکا باید نگران استراتژی‌هایی باشد که به دشمنانش کمک می‌کند نیروهای ناهمگون را تحت یک پرچم، متحد سازند. ایالات متحده داستان خوبی برای روایت کردن در اختیار دارد، اما ناکامی‌هایش در ترکیب قدرت سخت و نرم در یک استراتژی هوشمند بدین معنی است که اغلب اوقات، راه خود را می‌رود و قصه خود را می‌سراید و این می‌تواند مخرب باشد. (Nye, 2009: 120)

در مجموع، به نظر نویسندگان این پژوهش، اهداف آمریکا را در رویارویی نرم بر ضد ایران در خاورمیانه، می‌توان این‌گونه برشمرد:

الف) ترساندن دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه از خطر ایران برای منطقه، با طرح موضوعاتی همچون خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم با محوریت ایران؛

ب) ترویج سکولاریسم، لیبرال‌دموکراسی و ارزش‌های غربی در خاورمیانه در تقابل با الگوی اسلامی جمهوری اسلامی ایران؛

ج) مقابله با فرهنگ دینی و مذهبی ایران و جلوگیری از گسترش آن به کشورهای دیگر خاورمیانه؛

د) عرفی‌سازی حکومت‌های خاورمیانه و ترویج پلورالیسم دینی؛

ه) تشدید اختلافات قومی و مذهبی در ایران و همچنین کشورهای خاورمیانه با ایران در قالب دو قوم

عرب و فارس و دو مذهب شیعه و سنی؛

و) تشنج‌زدایی و عادی‌سازی روابط دولت‌ها و ملت‌های عربی منطقه با اسرائیل، در تقابل با استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌گیری امت مسلمان بر ضد حضور اسرائیل و سیاست‌های او در منطقه.

۲. استراتژی نرم‌افزارگرایانه ایران بر ضد آمریکا در خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت اسلامی‌اش، استراتژی نرم‌افزارگرایانه ویژه‌ای را در منطقه دنبال می‌کند که هدف نهایی آن، مقابله با استراتژی نرم‌افزارگرایانه آمریکا در تقابل با صدور ارزش‌های دینی - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران است. به طور کلی، این استراتژی، در قالب دکترین تعامل سازنده قابل بررسی است. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶ - ۱۲۳)

به نظر نویسندگان این پژوهش، استراتژی نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه را می‌توان پیرامون این محورها تشریح کرد:

- الف) خنثی کردن تبلیغات غرب بر ضد خطرهای نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل؛
 - ب) عادی‌سازی روابط با دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه و تشنج‌زدایی از آن در تقابل با استراتژی آمریکا در منزوی کردن ایران در منطقه برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران؛
 - ج) گسترش الگوی حکومت دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به دیگر کشورهای خاورمیانه؛
 - د) شکل‌گیری یک جبهه نرم از کشورهای خاورمیانه بر ضد اسرائیل و آمریکا در منطقه با محوریت و موضوع سرزمین‌های اشغالی و تقابل جهان اسلام با استکبار جهانی آمریکا.
- در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت رویارویی نرم دو کشور ایران و آمریکا در منطقه، بر مبنای تقابل دو محور ارزش‌ها و الگوهای لیبرال‌دموکراسی آمریکا در منطقه - به عنوان مبانی نظری قدرت نرم آمریکا - و الگوها و ارزش‌های دینی - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران - به عنوان مبانی نظری قدرت نرم ایران در منطقه - است.

۳. منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر

بی‌شک، آمریکا قبل از شروع انقلاب‌های مردمی - اسلامی در خاورمیانه، از منابع قدرت نرم زیادی در منطقه برخوردار بوده است. پیروزی در جنگ سرد، فروپاشی شوروی و تک‌قطبی شدن جهان نیز بر این اعتبار افزوده است. حضور بلندمدت در منطقه، نیاز شدید کشورهای عربی به حمایت مستمر آمریکا، تأمین امنیت صوری منطقه، پایان دادن به اشغال کویت، اشغال عراق و سرنگون کردن صدام، انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای منطقه، نفوذ بلامنازع در سازمان‌های بین‌المللی، روابط گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با بیشتر کشورهای منطقه، تلقی این کشور به عنوان مأمون و تکیه‌گاه امنیت نظام منطقه‌ای، نقش محوری آن در فرآیند جهانی شدن، کمک‌های اقتصادی و گاهی بدون عوض به برخی از کشورهای نیازمند

منطقه، تلاش گسترده برای انتشار ارزش‌ها و الگوهای مورد قبول خود در جهان اسلام، به‌ویژه در میان نسل جوان و ... به اعتبار و نفوذ بیش از پیش این ابرقدرت در منطقه افزوده است. (Bially, 2007: 93)

نای، فرهنگ عامه ایالات متحده را نمونه بارز یک فرهنگ جذاب قدرت‌آفرین می‌داند. وی در مقدمه «پارادوکس آمریکایی» می‌نویسد:

قطع نظر از آنچه که ما انجام می‌دهیم، فرهنگ عامه آمریکایی از یک اقبال جهانی برخوردار است. هیچ مفردی از نفوذ هالیوود، سی.ان.ان و اینترنت وجود ندارد. فیلم‌ها و تلویزیون آمریکا بیانگر آزادی، فردگرایی و تغییر علاوه بر سکس و خشونت هستند. به طور کلی، اقبال عمومی به فرهنگ آمریکایی سبب ارتقای قدرت نرم ما - مطلوبیت فرهنگی و ایدئولوژیک ما - می‌گردد. (Nye, 2002: 21)

بهره‌مندی آمریکا از امکانات عظیم رسانه‌ای با توجه به کارویژه متنوع آنها در دیپلماسی فرهنگی، نقش مهمی در تأمین قدرت نرم برای این کشور در منطقه در پی داشته است. آثار نقش برتر آمریکا در آموزش جهانی، با سلطه رسانه‌های جمعی آمریکا به شدت تقویت شده است. هرچند سایه گسترده فرهنگ آمریکا گاهی موجب واکنش‌های تهاجمی می‌شود، اما عنصر قدرت نرم آمریکا یک سلاح توانا و غیرتهدیدآمیز در کوشش برای تسلط بر قلوب و اذهان نخبگان خارجی است. (Gill&Huang, 2006: 17 - 36)

۴. محدودیت‌های قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر

در یکی دو دهه اخیر، به دلیل اعمال آشکار برخی سیاست‌های خشن و توجیه‌ناپذیر آمریکا در منطقه، منابع قدرت نرم این کشور در خاورمیانه کاهش یافته است. حمایت صریح و قاطعانه ایالات متحده از رژیم صهیونیستی در برابر گروه‌های مبارز فلسطینی، چهره ایالات متحده را نزد افکار عمومی ملت‌های خاورمیانه که به مسئله فلسطین حساس هستند، مخدوش کرده است. (Fischer, 2006: 79)

یک‌جانبه‌گرایی، توسعه‌طلبی، اشغال عراق و افغانستان، مخالفت با سوریه و لبنان، حمایت‌های قبلی از برخی گروه‌های تروریستی همچون القاعده و ... از جمله موارد دیگری هستند که به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه منجر شده است. (Hinen, 2008: 69) این معادله در خصوص ایران گویا سیری معکوس طی کرده است. به طور کلی، در دو دهه گذشته، سیاست‌های نامطلوب آمریکا در قبال تحولات منطقه‌ای سبب شده است چهره این کشور نزد افکار عمومی خاورمیانه - به عنوان یکی از شاخصه‌ها و منابع قدرت نرم - خدشه‌دار شود.

۵. منابع قدرت نرم ایران در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر

ماهیت انقلاب اسلامی ایران با محوریت دین اسلام و گفتمان عدالت‌محور موجود در آن، از همان ابتدا مؤلف منابع قدرت نرم برای جمهوری اسلامی در اثرگذاری بر تحولات منطقه‌ای بوده است. دیپلماسی فعال کشور نیز در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی اقدام کرده است که در مجموع به خروج

ایران از انزو و تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و زدودن برخی ابهامات و در نتیجه، افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر شده است. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۲ - ۱۴۸)

به طور کلی، به نظر نویسندگان این مقاله، می‌توان منابع قدرت نرم ایران در منطقه را پیرامون چند محور برشمرد:

- درهم‌آمیختگی‌های فرهنگی، دینی و سیاسی با بسیاری از کشورهای منطقه؛
- گفتمان عدالت‌محور و دینی موجود در انقلاب اسلامی ایران؛
- تحرک دیپلماتیک و حضور موفق در مجامع بین‌المللی؛
- طرح و ترویج ایده گفتگوی مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛
- محکومیت مستمر اسرائیل به عنوان کانون شرارت در منطقه؛
- کمک اقتصادی به برخی از کشورهای فقیر منطقه و جهان اسلام؛
- پذیرش بیش از دو میلیون آواره افغانی و عراقی در دو دهه به عنوان یک کشور نوع‌دوست؛
- مبارزه جدی با تروریسم بین‌المللی و منطقه‌ای.

افزایش نقش و اهمیت اثرگذاری ایران در خاورمیانه بعد از حادثه یازده سپتامبر و بحران عراق، در درجه اول به اهمیت روزافزون مسائل خاورمیانه در نظام امنیت بین‌الملل بازمی‌گردد. به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک‌سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین کشور اثرگذار بر مسائل خاورمیانه، دارای اهمیت است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۵۴ و ۶۵۵) علاوه بر این، در چند دهه اخیر، گروه‌های اخوان‌المسلمین در هر کجا که بوده‌اند، از انقلاب اسلامی و امام خمینی رهبر اثر پذیرفته و ارزش‌ها و الگوهای انقلاب اسلامی ایران را تبلیغ کرده‌اند.

۶. محدودیت‌های قدرت نرم ایران در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر

جمهوری اسلامی ایران به دلیل طرح برخی اتهامات از سوی غرب، به‌خصوص آمریکا، با محدودیت‌هایی در بالا بردن قدرت نرم خود در خاورمیانه، روبه‌روست که به نظر نویسندگان این مقاله، می‌توان محدودیت‌ها را به این شرح بیان کرد:

- بدبین کردن کشورهای خاورمیانه به جمهوری اسلامی ایران توسط غرب و آمریکا با خطرناک جلوه دادن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران بر ضد نظام‌های حکومتی آن کشورها؛
- محکوم کردن ایران به حمایت از جریان‌های بنیادگرایی و تروریستی در خاورمیانه؛
- مانور دادن بر خطر اتمی شدن ایران برای کشورهای منطقه و در نتیجه، تغییر دیدگاه آنها درباره ایران؛
- کمک به گسترش تعارضات درون منطقه‌ای ایران با کشورهای همسایه (جزایر سه‌گانه) و تغییر نام خلیج

فارس به خلیج عربی با تحریک کشورهای منطقه؛

- کمک به جبهه‌گیری دو مذهب شیعه و سنی به عنوان دو جریان در منطقه و همچنین بدبین کردن دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه با طرح مسائلی همچون حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های شیعه در کشورهای منطقه برای به دست گرفتن قدرت.

تغییر منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه بعد از شروع جنبش‌های اسلامی - مردمی

بعد از جنبش‌های مردمی - دینی اخیر در خاورمیانه و دمیونوی سرنگونی حکومت‌های اقتدارگرای هم‌پیمان آمریکا در منطقه، منابع قدرت نرم دو کشور ایران و آمریکا در منطقه اثرپذیری چشمگیری داشته است که در این بخش بررسی می‌شود.

۱. تأثیر تحولات اخیر بر کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بررسی شد، قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق نفوذ در افکار عمومی، استوار است که بیشتر با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی و فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌شوند، مرتبط است. منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و جهان، ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی (ارزش‌های اومانیستی بر مبنای فردگرایی، سکولاریسم اجتماعی و سیاسی، اقتصادگرایی و ...) است که چهره جذابی در سطح افکار عمومی جهان دارد. ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی تاکنون توانسته است به عنوان منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در نظام جهانی و بالتبع خاورمیانه، برای اهداف استراتژیک آمریکا استفاده شود. ولی جهت‌گیری جنبش‌های دینی - مردمی اخیر در خاورمیانه که مبتنی بر ارزش‌های دینی (ارزش‌های اسلامی - مردمی در تمامی سطوح اجتماعی داخلی و بین‌المللی) و در تقابل با ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی غربی است، به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد. ویژگی مشترک مطالبات مردم انقلابی در این کشورها، بر کاهش محسوس منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه در طول این انقلاب‌ها دلالت دارد.

مطالبات و اهداف این جنبش‌ها، در محورهای پایان سلطه تاریخی غرب بر منطقه، پایان وابستگی همه‌جانبه حکومت‌هایشان به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، مقابله با تجاوزطلبی اسرائیل در خاورمیانه (واکنش به حقارت‌های گذشته جهان عرب در مقابل اسرائیل) و رسیدن به حقوق شهروندی است که در قالب حکومت‌های اسلامی - مردمی است. (Slackman, 2011: 79) این موضوع، تضعیف ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی آمریکا در مقابل ارزش‌های اسلامی در منطقه و در نتیجه، تضعیف چهره ارزش‌های آمریکایی (منبع قدرت نرم آمریکا در منطقه) را در پی خواهد داشت. آغاز برخی از این حرکت‌های انقلابی، اگرچه ممکن است متأثر از برخی مطالبات اقتصادی و سیاسی باشد، ولی تبدیل مکان‌ها یا نهادهای مذهبی

- نظیر نمازهای جمعه و جماعات و مساجد - به خاستگاه و نقطه آغاز این تحركات، و شعارهای اسلامی، نمایانگر جهت‌گیری اصلی این تحركات انقلابی است؛ (رجبی، ۱۳۹۰) این، به طور دقیق، تقابل ارزش‌های اسلامی با الگوها و ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی آمریکاست. در ادامه، به نمودهای واقعی و ملموس کاهش قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و در نتیجه، مخالفت افکار عمومی مردم خاورمیانه با حضور آمریکا در منطقه، اشاره می‌شود.

دستگاه قضایی مصر تحقیقات خود را در خصوص کمک‌های مالی پنهانی آمریکا و عربستان به برخی احزاب و سازمان‌های غیردولتی مصر، به‌ویژه بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه، که هدفشان مقابله با احزاب اسلامی در انتخابات آینده است، آغاز کرده است.

شهروندان اردن با برپایی راهپیمایی در شهرهای مختلف این کشور، درباره تحقق نیافتن اصلاحات، به عبدالله دوم، پادشاه اردن هشدار دادند. شهرهای مختلف اردن در جمعه موسوم به «جمعیت حاکمیت»، محل اعتراضات مردمی برای چندمین هفته متوالی بود.

همچنین پس از سرنگونی زین‌العابدین بن‌علی، رئیس‌جمهوری مخلوع تونس، مردم این کشور برای اولین بار توانستند در ماه مبارک رمضان، مراسم مذهبی خود را با آزادی کامل انجام دهند. (Arab News.com, 2011)

در لیبی بعد از گذشت نیم‌قرن حاکمیت دیکتاتورهای مستبد، اولین حزب سیاسی مستقل در بنغازی اعلام موجودیت کرد. «لیبی جدید»، اولین حزب موجود در این کشور، از پنجاه سال پیش تاکنون در شهر بنغازی - واقع در شرق لیبی - است. فعالان و اعضای این حزب معتقدند رسالت و پیام حزب لیبی جدید، اخلاص به خداوند و اسلام‌گرایی و رهایی یافتن از حکومت طاغوت و وابسته به غرب است. (Khaleei times, 2011)

انقلابیان یمن با برپایی راهپیمایی در دومین جمعه ماه مبارک رمضان، یک‌صدا خواستار توقف دخالت‌های واشنگتن در این انقلاب شدند و دلیل طولانی شدن انقلاب را توطئه آمریکا دانستند. مخالفان عبدالله‌صالح خواستار دخالت نکردن عربستان در امور داخلی یمن و همچنین توقف مجازات جمعی مردم بی‌دفاع این کشور شدند. (Arab News.com, 2011)

در واقع، می‌توان تأثیر انقلاب‌های اخیر را بر کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و شکل‌گیری معادله جدید در منطقه، در دو محور اساسی بررسی کرد:

الف) شکل‌گیری جامعه‌ای جدید در کشورهای دچار انقلاب بر مبنای ارزش‌های دینی - مردمی (اسلام‌گرایی)؛

ب) افزایش ذهنیت منفی از ایالات متحده در افکار عمومی مردم منطقه (موضوع اصلی کاربرد قدرت نرم) به دلیل سلطه همه‌جانبه آمریکا بر دولت‌هایشان و دخالت در این جنبش‌ها و حمایت این کشور از اسرائیل در مقابل کشورهای اسلامی - عربی.

علاوه بر این موارد، یکی از برنامه‌های آمریکا در خاورمیانه، بالا بردن منابع قدرت نرم خویش در قالب دیپلماسی عمومی و از طریق برنامه‌هایی مانند پذیرش دانشجویان، تربیت نخبگان خاورمیانه با توجه به اهداف استراتژیک خویش، گسترش ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی در خاورمیانه از طریق ابزارهایی مانند تلویزیون و ماهواره و ... است. ولی وقوع این جنبش‌ها و شکل‌گیری ارزش‌های مردمی - اسلامی، معادلات جدیدی در منطقه به وجود خواهد آورد و در نتیجه، موجب کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه خواهد شد.

۲. تأثیر تحولات اخیر بر افزایش منابع قدرت نرم ایران در خاورمیانه

بعد از شروع جنبش‌های عربی خاورمیانه، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برخلاف آمریکا افزایش چشمگیری داشته است. همان‌گونه که کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه بعد از شروع تحولات مردمی یکباره اتفاق نیفتاد، بلکه عوامل آن ریشه در تاریخ چند دهه گذشته دارد، افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه هم از این امر الهام می‌گیرد و فقط این تحولات بر شدت جریان افزایش و کاهش منابع این دو کشور در خاورمیانه تأثیر محسوس گذاشته است.

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بررسی شد، عوامل ایجادکننده و تقویت‌کننده قدرت نرم، شامل موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک مطبوع و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، و ... است. با بررسی روندها و جهت‌گیری‌ها در تحولات اخیر، می‌توان افزایش منابع قدرت نرم ایران را در منطقه در دو محور اساسی بررسی کرد:

الف) اهمیت یافتن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران (بر محور دین‌محوری، عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزی) در افکار عمومی مردم منطقه با توجه به شباهت‌های اهداف و زمینه‌های انقلاب اسلامی با جنبش‌های دین‌گرای اخیر؛

ب) افزایش موج آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی (در راستای استراتژی نرم‌افزارگرایانه ایران در خاورمیانه) در افکار عمومی مردم خاورمیانه که مخاطبان اصلی قدرت نرم هستند، در مقابل زدودن ذهنیت‌های منفی از انقلاب اسلامی و نماد عینی آن، یعنی جمهوری اسلامی ایران. (منبع قدرت نرم)

از مهم‌ترین نمودهای افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه بعد از شروع تحولات اخیر، راهپیمایی روز جهانی قدس امسال است که نسبت به سال‌های گذشته در کشورهای خاورمیانه، متفاوت بود و این دقیقاً در راستای یکی از محورهای استراتژی نرم‌افزارگرایانه ایران در منطقه (رویارویی نرم ایران با اسرائیل و آمریکا در منطقه در حمایت از ملت فلسطین) است. در ادامه، نمودهای واقعی و ملموس افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه ذکر شده است.

بر اساس گزارش منابع خبری، علاوه بر ایران، مردم کشورهای مختلف نیز با برپایی راهپیمایی ضد

صهیونیستی روز قدس، صف‌آرایی جدیدی را بر ضد اسرائیل غاصب به نمایش گذاشتند. خشم انقلابیان مصر نیز بر ضد رژیم صهیونیستی نیز فوران کرد. برای اولین بار پس از سرنگونی مبارک، انقلابیان مصری در راهپیمایی میلیونی روز قدس شرکت کردند و ضمن درخواست اخراج فوری سفیر اسرائیل، در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره شعار «بیرون برو» را سر دادند. در زمان حاکمیت مبارک، این رژیم، برگزاری هرگونه تظاهرات در این روز را منع می‌کرد. (بی‌نا، ۱۳۹۰)

در عربستان نیز پرچم رژیم صهیونیستی به آتش کشیده شد. به گزارش شبکه پرس‌تی‌وی هزاران نفر از مردم شرق عربستان تظاهرات ضد صهیونیستی برگزار کردند. تظاهرکنندگان در چندین شهر عربستان هم‌زمان با آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به خیابان‌ها ریخته، جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند و پرچم این رژیم را به آتش کشیدند. (ArabNews.com, 26 August, 2011) مردم تونس، امسال برای اولین بار بعد از به ثمر رساندن انقلاب خود، مراسم روز جهانی قدس را برگزار کردند. «خلیل شاهین»، کارشناس مسائل خاورمیانه در مصاحبه با شبکه خبری «العالم» گفت:

روز جهانی قدس، رویداد مهمی برای جهان اسلام و همه ملت‌ها به منظور اعلام حمایت از مردم فلسطین به‌ویژه مسئله قدس به شمار می‌رود و این موضوع، امسال اهمیت خاصی دارد؛ زیرا قدس در معرض حملات گسترده صهیونیست‌ها قرار گرفته است. وی افزود: روز قدس به یک روز جهانی تبدیل شده است و فقط روز ملت فلسطین یا امت اسلامی نیست، بلکه روز همه آزادگان جهان و حمایت از مبارزه همه ملت‌ها در راه رهایی از اشغالگری است. (Khaleei times, 19 August 2011)

از عوامل دیگر ایجادکننده قدرت نرم، ترویج و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای سیاسی موردنظر کشور به‌کارگیرنده قدرت نرم در سطح جهانی و منطقه‌ای است. جهت‌گیری جنبش‌های اخیر به سمت حکومت‌های مردمی - اسلامی، احتمال الگوگیری این انقلاب‌ها از انقلاب اسلامی ایران را تا حد زیادی افزایش داده است. این امر می‌تواند منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه را - که مبتنی بر ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی است - به خطر بیندازد (Greenburg & Smith, 2011: 89) و در مقابل، سبب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه شود. نشانه‌های فراوانی در حرکات، شعارها، خواست‌ها و گروه‌بندی‌های معترضان وجود دارد که نشان می‌دهد اعتراضات موجود، اگرچه ممکن است در مقایسه با ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در سطوح متفاوت‌تری تعریف شوند، اما می‌تواند به سمت ارزش‌های اسلامی (دین‌محوری، عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزی) حرکت کند. (Guirguis, 2011: 57) (الگوذهی ارزشی - هنجاری به عنوان منبع قدرت نرم)

«عبدالکریم بالحاج»، رئیس شورای نظامی طرابلس، در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت: انقلابی که از ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ (۲۷ بهمن ۱۳۸۹) بر ضد سرهنگ قذافی شروع شده، یک انقلاب به تمام معنا اسلامی

است. بالحاج تأکید کرد: در این انقلاب، شعاری جز شعار «الله اکبر» شنیده نمی‌شد. بالحاج در پاسخ به این سؤال که «مردم لیبی خواستار چه نوع سیستمی برای اداره کشور خود هستند؟» گفت: اکثریت مطلق مردم لیبی مسلمان و طبیعتاً خواستار یک سیستم اسلامی با رعایت همه حقوق شهروندی هستند؛ انقلاب ما اسلامی است و مردم به همین خاطر به خیابان‌ها آمده‌اند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت وقوع تحولات اخیر در خاورمیانه از دو جهت اساسی موجب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه خواهد شد؛ در ابتدا جهت‌گیری این تحولات است که همسو با استراتژی نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه در جریان است. استراتژی نرم جمهوری اسلامی را می‌توان بر محورهای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی بر مبنای دین‌محوری (حاکمیت دین در همه ابعاد زندگی)، عدالت‌محوری (در دو سطح داخلی و بین‌المللی) و سلطه‌ستیزی (مبارزه با قدرت‌های جهانی مثل آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای مثل اسرائیل) به جهان اسلام و خاورمیانه، تبیین کرد. همان‌طور که بررسی شد، جهت‌گیری این انقلاب‌ها در راستای استراتژی نرم ایران در منطقه، در جریان است. از طرف دیگر، تشنج‌زدایی روابط ایران با کشورهای عربی است که به تحریک آمریکا، روابط ایران با بعضی از این کشورها متشنج و اختلاف‌زا بوده است.

بعد از سرکار آمدن حکومت‌های مردمی - اسلامی، با توجه به تشابهات فرهنگی - دینی ایران با این کشورها، جمهوری اسلامی می‌تواند از این تشابهات به عنوان یک ابزار برای گسترش روابط با این کشورها (یکی دیگر از عوامل ایجادکننده قدرت نرم) و در نتیجه، افزایش منابع قدرت نرم خویش استفاده کند.

نتیجه

کاربرد قدرت نرم، اهمیت روزافزونی در معادلات استراتژیک نظام بین‌الملل دارد و قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای به دنبال افزایش منابع قدرت نرم خویش در مناطق استراتژیک، در راستای استراتژی کلان خویش هستند. در همین راستا، دو کشور ایران و آمریکا، به عنوان دو بازیگر مؤثر و رقیب در معادلات منطقه‌ای، همواره در پی افزایش منابع قدرت نرم خویش در منطقه (گسترش ارزش‌ها و هنجارها، سیاست‌های فرهنگی و ... در میان ملت‌های دیگر و در نتیجه، کنترل بر افکار عمومی) بوده‌اند. در نتیجه، یک رویارویی نرم بر محور استراتژی‌های نرم‌افزارگرایانه از سوی دو کشور، در تقابل با همدیگر شکل گرفته است. انقلاب‌های اخیر خاورمیانه که از آن به عنوان رنسانس ملت‌های خاورمیانه با رویکرد اسلامی یاد می‌شود، بر معادلات نظام جهانی و منطقه‌ای اثر گذاشته و معادلات جدیدی را در سطح منطقه‌ای به وجود آورده است. معادله تقابل نرم ایران و آمریکا در منطقه هم متأثر از این امر است.

با توجه به بررسی‌های این مقاله می‌توان ادعا کرد که تحولات اخیر در خاورمیانه با رویکرد اسلامی - مردمی مبنی بر ارزش‌هایی همچون دین‌محوری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...،

عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزی (در تقابل با آمریکا و اسرائیل به عنوان دو قدرت جهانی و منطقه‌ای) است. شکل‌گیری و ادامه این جهت‌گیری‌ها به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد؛ زیرا گسترش و عمیق شدن این ارزش‌ها (اهداف انقلابیان) در تضاد کامل با ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی آمریکا بر محورهای اومانستی و سکولاریسم - که منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می‌شود - است.

بررسی‌های صورت‌گرفته و گزارش‌ها نشان می‌دهد که خواست انقلابیان در سطح مسائل اقتصادی باقی‌مانده و به حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با محوریت اسلام نیز گسترش پیدا کرده است. این امر، به طور دقیق نشان‌دهنده تقابل ارزش‌های اسلامی انقلابیان با ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی است که هیچ‌سختی با فرهنگ (یکی از موضوعات محوری در منابع قدرت نرم) مردم مسلمان خاورمیانه ندارد.

در نقطه مقابل و در رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه، این تحولات به شکل‌گیری معادلات جدیدی می‌انجامد که موجب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه خواهد شد. افکار عمومی، یکی از محورهای اساسی در کاربرد قدرت نرم و در کانون آن است. (نفوذ در افکار عمومی از طریق ارزش‌ها، فرهنگ و ...) بنابراین، با مطرح شدن ارزش‌هایی همچون عدالت‌محوری، دین‌محوری و سلطه‌ستیزی در افکار عمومی انقلابیان، هم‌پوشانی لازم بین ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران (منبع اصلی قدرت نرم ایران) و جنبش‌های اخیر به وجود آمده، در معادلات آینده شاهد افزایش منابع و قدرت نرم ایران در منطقه خواهیم بود.

تحولات اخیر از دو جهت اساسی به افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر شده است. از سویی، با گسترش ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم منطقه، ارزش‌های اسلامی انقلاب ایران، به عنوان منبع قدرت نرم ایران در منطقه، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. از طرف دیگر، زدودن ذهنیت‌های منفی و شکل‌گیری تصویر مطلوب از جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی دیگر از عوامل ایجادکننده قدرت نرم - به افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. آشنا، حسام‌الدین، ۱۳۸۴، *دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباط در خدمت سیاست خارجی، کتاب آمریکا، ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران، ابرار معاصر.*
۲. برزگر، کیهان، ۱۳۸۷، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، فصلنامه *سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز.
۳. بی‌نا، ۱۳۹۰، «پرشکوه‌ترین روز جهانی قدس با ورود ملت‌های مسلمان به صحنه»، روزنامه *جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۹۰/۶/۵، شماره ۹۲۶۲، سال سی و دوم.
۴. *خبرگزاری فارس*، ۱۳۹۰/۶/۸، «مصاحبه با عبدالکریم بالحاج».

۵. رجیبی، امیر مختار، ۱۳۹۰/۶/۲۶، رنسانس خاورمیانه با رویکرد اسلامی برگرفته از:
<http://www.javanonline.ir/vdciwva5zt1a532.cbct.html>
۶. مولانا، عبدالحمید و منوچهر محمدی، ۱۳۸۷، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۷. نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم*، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۸. هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، شماره دوم، بهار ۸۸.
9. AL-oraibi, Mina&Russell, Gerard, 2011, "The Trust Deficit: Seven Steps Forward for U.S-Arab Dialogues", *Washington Quarterly*, summer.
10. Arab News.com, 2011, "Bahrain: Gulf Troop to stay as counter to Iran "Available at: <http://www.arabnews.com/darticlen.asp>, Agusut20.
11. Bahrain online News, 2011, "we are All Hammed Campaign to be launched", Available at: <http://www.bahrainonlinenews.com>.
12. Bially, Mateern Janice, 2007, *Why Soft Power isn't so soft: Representational Force and Attraction in World Political*, in *Power in World Politics*, Edited by Felix Berend&M.J.Williams, Politics, London&New York:Routledge.
13. Byman, Daniel, 2011, "Israel, s Pessimistic View of The Arab Spring", *Washington Quarterly*, summer.
14. Drezerer, Daniel W, 2011, "Doses Obama a Grand Strategy?", *Foreign Affairs*, July/August.
15. Fischer, Markus, 2006, *Culture and Foreign Politics, in The Limits of Culture: Islam and Foreign Policy*, MIT Press Cambridge, Massachusetts.
16. Gill, B.&Y Huang, 2006, "Sources and Limits of Chinese Soft Power", *Survival*, vol.48, no2, Summer.
17. Greenburg, Douglas N.& Derek D, Smith, 2011, "Aiding Friend and Foes in Palestine", *Foreign Affairs*, June20.
18. Guirguis, Dina, 2011, "Egypt after the Revolution: An Early Assessment", *Washington Institute for Near East policy*, April.
19. Hinen, Games, 2008, *Smart Power in the World*, University, New York.
20. Ikenberry, John, 2011, "The Future of Power", *Foreign Affairs*, March/ April.
21. Khaleei times, 2011, "GCC urges UN to Hart Interference 'by Iran, Available at: <http://www.khaleeitimes.com/darticlen.asp>, Agusut19.
22. Lukes, Steven, 2007, *Power and the Battle for Hearts and Minds: on the Bluntness of Soft Power*", in *Power in Politics*, London&New York:Routledge.
23. Lynn, William J, 2011, "A Military Strategy for the New Space Environment", *Washington Quarterly*, summer 2011.
24. Nye, joseph, 2002, "Limits of American Power", *Political Quarterly*, vol.117.
25. _____, 2004, *Soft power: The Means to Success in Politics*, New York: public Affairs.

26. _____ , 2007, *Notes for a Soft Power Research Agenda, in Power in Politics*, London&New York:Routledge.
27. _____ , 2008, *The Benefits of Soft Power*. until Recently the Dean of Harvard Kennedy School. Available:<http://hbswk.hbs.edu>.
28. _____ , 2009, "Get Smart", *Foreign Affairs*, July/Agusut.
29. _____ , 2010, "The Future of American of Power", *Foreign Affairs*, November/December.
30. Serfaty, Simon, 2011, "Into a Post - western World", *Washington Quarterly*, Spring.
31. Slackman, Michael, 2011, "Bullets stall youthful push for Arab Spring", *New York Times*. Available at: <http://www.nytimes.com>, march17.
32. Wickham, Carrie Rosefky, 2011, "The Muslim Brotherhood After Mubarak", *Foreign Affairs*, February.
33. Zakaria, Fareed, 2008, "The Future of American Power", *Foreign Affairs*, May/June.